

## « از داوری درباره دیگران دست بکشید »

یکی از مشکلات ناشی از بزرگ شدن در فرهنگی میهن پرست و دارای تعصب ملی نظیر جامعه ما این است که از بدو تولد، به ما می آموزند برتری خود را باور کنیم.

میهن پرستی به تنهایی موجب حک کردن این اعتقاد نیست. معتقدات و پیشینه قومی و آموزش فرهنگی و تبلیغات رسانه های جمعی نیز در این امر دخالت دارند. و ما را در معرض این آموزش قرار می دهند که از شخص بغلی برتریم.

اغلب با این باور زندگانی را به سر می آوریم که به دیده تحقیر نگرستن دیگری به علت طرز لباس پوشیدن یا شیوه کار و زندگی یا میزان پولی که در بانک دارند یا نوع صابون و عطری که استفاده می کنند، امری کاملاً طبیعی است.

این مسأله همه زمینه های زندگیمان را در بر می گیرد. هر روز زیر بمباران هزاران داوری قرار داریم که حتی شاید از بسیاری از آنها آگاه نیز نباشیم.

به محض آغاز این نگرش که شاید به دلیلی به جز تملک خانه ئی وسیع یا تصاحب گردونه ئی چهار چرخه به این جهان آمده ایم، این امکان را می یابیم که به داوری های خود که نمی گذارند به رشد درونمان پردازیم بنگریم.

به محض این که دریابید به منظور دیگری اینجائید، این را نیز در می یابید که همه ما به منظور دیگری اینجائیم. حتی اگر همه ما به آن پی نبریم. و حتی اگر هنوز آن قصد و غایت را در نیافته باشیم.

در نقطه ئی از راه، به این تصویر می رسیم که همه با هم رهسپاریم. و هر یک با توشه ئی که به همراه آورده ایم، به بهترین شیوه ئی که از ما برمی آید سرگرم کاریم. و این حق را نداریم که درباره جایگاه دیگری قضاوت کنیم.

فرایند یادگیری تعلق داوری هایمان درباره سایر مردم و موقعیت ها می تواند امری دشوار باشد، زیرا باید بر بسیاری از آموخته هایمان غلبه کنیم. اما این عادت نیز مانند سایر عادات و الگوهای رفتاری، زمانی می تواند شکسته شود که نخست آگاه شویم که در همه زمینه های زندگی مان تا چه اندازه داوری می کنیم.

به محض این آگاهی که در چه موارد بسیار، دیگران را به این دلیل که مطابق معیارهای ما زندگی نمی کنند به طرزی ظریف کنار می گذاریم، خواهیم توانست تدریجاً داوری های خود را رها کنیم و بکوشیم به این اندیشه بازگردیم که از بهر چه به این جهان آمده بودیم .